

بوطیقا و سیاست در شاهنامه
دکتر محمود امیدسالار



ترجمه

فرهاد اصلانی و سومه پورتنقی

www.ketab.ir



- سرشناسه
عنوان قراردادی
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
- امیدسالار، محمود، ۱۳۲۹ - Omidasalar, Mahmoud
شاهنامه. شرح
بوطنقا و سیاست در شاهنامه / تألیف محمود امیدسالار؛ ترجمه فرهاد اصلانی. - معصومه پورتنقی.
تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، ۱۳۹۶.
۳۲۲ ص.
مجموعه انتشارات ادبی تاریخی؛ ۱۸۹. گنجینه زبان فارسی و ادبیات دری؛ ۴۹.
۹-۵۶-۵۹۴۲-۶۰۰-۹۷۸
- وضعیت فهرست‌نویسی
فیبا
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
- فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر
Criticism and interpretation -- Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh
شعر فارسی -- قرن ۴ق. -- تاریخ و نقد
Persian poetry -- 10th century -- History and criticism
اصلانی، فرهاد، ۱۳۶۲ -، مترجم
پورتنقی، معصومه، ۱۳۶۲ -، مترجم
۱۳۹۶ ب ۸ الف / PIR ۴۴۹۵
۸۱/۲۱
۴۶۴۸۰۷۸



بوطیقا و سیاست در شاهنامه
دکتر محمود امیدسالار



ترجمه: ف. باد اصلانی، معصومه پورتنقی
گرافیسیت، طراح و اجرای جلد: کامران بیگلر
لیتوگرافی: کوثر
چاپ متن و جلد: دارالسفید
صحافی: حقیقت
تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه
چاپ اول: بهار ۱۳۹۶

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار
خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه باغ، خیابان عارف‌نسب
تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۶ دورنما: ۲۲۷۱۳۹۳۶
با همکاری انتشارات سخن
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸
تلفن: ۶۶۹۵۳۸۰۴-۵ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲
تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها
۶۶۹۵۳۸۰۴-۵



یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه.ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احیاناً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی و طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با هدف این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده یا به چاپ رسیده این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ - افقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جزو و نشر کتب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولید است و از طرف واقف به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

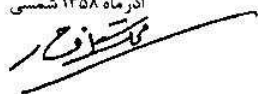
هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها پردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی بی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعلیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم

کتابی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صددرصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای چنین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتهگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبدها، خارها، به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داده باشد با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید رای رایج کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زناده زنده بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولید بعد از ممات یا هرکس و دست‌انداخته قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم همان نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزله باشد از تحریرات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران شناسی... در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبادا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواسته و ندانسته به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاصمین یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسندۀ این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالت‌ها منتر باید از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید بوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لافافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی نه از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد نباید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله با آن شد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوچی‌گری. این بنیاد انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون توان راستی را درج کردن در ری را باید شرح کردن *

برای چاپ و انتشار کتاب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه ندارد، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و هزینه از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین است که تخم مرغ می‌خرد دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.

مقررات مربوط به جایزه‌های ادبی و تاریخی

ماده ۳۴ و قفنامه اول

چنانچه درآمد موقوفات به مقدار قابل‌ی افزایش یابد واقف یا شورای تولیت می‌تواند علاوه بر تألیف و ترجمه و چاپ کتب، مبلغی از آن را تخصیص به جوایز برای تشویق دانشمندان، دانش‌پژوهان، نویسندگان و شاعران بدهند، بالاخص برای بهترین نویسندگان و شاعران در مجله آینده. بنابراین بدین راه نویسندگان را به سرودن اشعار و تصنیف قطعات نظم و نثر وطنی و ملی و اجتماعی، طرح اقتراحات و مسائله‌ها و دادن جوایز از درآمد موقوفات تشویق و ترغیب نمود. تشخیص این امور در زمان حیات یا واقف است که با مشورت دوستان مطلع خود انجام می‌دهد، سپس با هیئت شش نفره است که در سه مترایان و یک سوم از هیئت مدیره شرکت مطبوعاتی آینده یا هر کس را که آنها و اینها به جایشان معین کنند، کتب خواهد بود.

ماده ۵ و قفنامه پنجم

به سبب انحلال شرکت مطبوعات آینده آنچه در مورد تشخیص امور مربوطه بدان جوایز طبق ماده ۳۴ و قفنامه اول مورخ دی ماه ۱۳۲۷ به عهده آن شرکت محول بوده از میان رفته و انجام آن امور منحصرأ به عهده واقف و سپس شورای تولیت است، می‌توانند از اهل بصیرت یاری بخواهند.

یادداشت واقف

جوایزی که در این موقوفات تعیین شده نیز مانند سایر امور این پیرا و ن هدف آن است، تکمیل وحدت ملی به وسیله زبان فارسی یعنی کتب و رسالات و مقالات و اشعار در پیرامون این هدف نوشته شود، خواه به زبان فارسی، خواه به زبان‌های دیگر، خواه به وسیله این یا ملل دیگر، خواه در خود ایران، خواه در خارج می‌تواند نامزد دریافت جایزه گردد. برای این کار آیین‌نامه‌ای باید تهیه شود، اجمالاً اصول آن را یادداشت می‌کنم.

فهرست مطالب

۱۹	دبیاجه بر ترجمه فارسی
۲۳	دبیاجه مترجمان
۲۷	پیشگفتار
۳۳	مقدمه
۴۷	فصل اول: شاهنامه و مرجعیت فرسی غرب
۷۵	فصل دوم: مسیر یک حماسه: تاریخچه کهنی از روند انتقال شاهنامه
۹۵	فصل سوم: در میهن: شاهنامه به فارسی دری
۱۱۳	فصل چهارم: نهایت امانتداری: فردوسی و نسخه مرورش
۱۲۱	فصل پنجم: چرا شاهنامه؟
۱۲۷	فصل ششم: مردی در افسانه‌ها
۱۴۵	فصل هفتم: شاعر، شاه و زبان
۱۶۹	فصل هشتم: انسجام و یکپارچگی حماسی: مواضعی علیه تحلیل‌های ناقص
۱۹۵	فصل نهم: رقابت برادران
۲۱۳	فصل دهم: کشتن دیوان، عزل شاهان: داستان اکوان
۲۲۱	فصل یازدهم: از هوسرانی تا براندازی
۲۲۹	نتیجه‌گیری: شاهنامه و استبداد اروپامحوری
۲۵۷	پی‌نوشت‌ها
۳۲۵	نمایه
۳۳۵	کتاب‌نامه

۱. پی‌اچ‌ه بر ترجمه فارسی

این را که ترجمه کار بسیار دشواری است برخی از فضلاء مسلمان قرون اوائل، منجمله عمر بن بحر الجاحظ (۱۶۰-۲۵۵ ق) متذکر شده‌اند (مثلاً کتاب الحيوان، ج ۱، صص ۷۵-۷۷). اگر متن مورد ترجمه تخصصی و جدلی باشد، طبعاً ترجمه آن هم دشوارتر از متونی است که به بیانی سراسر است نوشته شده‌اند. علت این امر این است که بار عاطفی این گونه متون که بعضاً محصول صدای کلمات و کاربرد اصطلاحات و کنایات مخصوص به زبان آن متن است، به آسانی قابل نقل به زبان دیگری نیست. برخی اصطلاحات و عبارات مختص یک زبانند و اشارتی به آنها مطلبی را برای شنونده تداعی می‌کند که آشنایی با آن برای فهم مطلب مهم است. اصل انگلیسی این کتاب، به علت ماهیت جدلیش، از این گونه کنایات غیر قابل ترجمه خالی نیست. بنابراین، علی‌رغم این که مترجمین فصل فصل آن را برای فقیر می‌فرستاده‌اند و من ترجمه آنها را بررسی و بعضاً دستکاری می‌کرده‌ام، باز، متن فارسی عین متن انگلیسی را منتقل نمی‌کند و البته مترجمین را در این امر هیچ تقصیری نیست؛ زیرا سطر به سطر ترجمه‌شان را خوانده‌ام و هرکجا که نیاز به دخالت بوده است، دخالت کرده‌ام. اشکال در این است که بار عاطفی متن آن را خودم هم نتوانسته‌ام

چنانکه در اصل هست به فارسی در آورم. بنابراین اگر خوانندگانی که با اصل انگلیسی کتاب آشنایی دارند در ترجمه اشکالی دیدند، تقصیر از مترجمین نیست، بلکه از من است.

اصل انگلیسی این کتاب، به تفصیلی که در مقدمه آورده‌ام، پاسخی بود به حملاتی که به عمد یا به غیر عمد در نوشته‌های بسیاری از نوسرق‌شناسان^۱ که معادل‌های آکادمیک «نومحافظه‌کاران»^۲ غربی به شمار می‌روند، دیده می‌شد. طبیعی است که میان ما ایرانیان و منش غربگرا و غرب‌محور، هیچ نوع مصالحه و مسالمتی ممکن نیست، زیرا تمام کارهای اکثریت قریب به اتفاق آنها از نظر ما غلط، و بیشتر ایرادات ما هم بر بی‌انصافی‌ها و کینه‌های ایشان، از دید ایشان ناوارد است.

اثر تحلیل‌های آمریکایی از ادب و فرهنگ ایران به گنبد پیشداوری‌های دوران استعمار آلوده است. این «ابۀ لطایف‌الحیل می‌خواهند ادبیات ما را بر مبنای جهان‌بینی «اروپا محور»^۳ خردمان تبدیل و همانند زیرنویسی به تاریخ ادبیات خودشان منضم سازند. مثلاً چون ادب حماسی غربی را به در بدیهه‌سرایی مشت‌خواننده دوره‌گرد قرون وسطایی دارد، فردوسی، شاعر ادیب و دانشمند را که محصول دوران طلایی تمدن اسلامی ایران است، تا حد امثال هومر و دیگر حماسه‌سراهای بی‌سواد خودشان فرومی‌کشند و فردوسی و هنر متعالی او را بر حسب هومر و اشعار دلت و پاشکسته او می‌فهمند و می‌فهمانند. طبیعی است که هیچ ایرانی غیرتمندی، آن هم در این دوران که عهد سرفرازی ما و سرشکستگی غرب و ارزش‌های غربی است، چنین رویکردی را تحمل نتواند کرد. دوران سیادت آمریکا و اروپا سال‌هاست که سپری شده و اگر در ایران با توجه به نزدیک‌ترین هم وجود داشت، نتیجه انتخابات اخیر آمریکا که به ریاست جمهوری یک دلقک تلویزیونی انجامید، آن تردید را رفع کرد.

روزگاری بود که فضلالی ما به سبب آن عقده خودکم‌بینی‌ای که استعمار غرب بر اذهان ایشان مستولی ساخته بود در تحلیل و تأویل ادبیات فارسی آثار غریبان را بر آنچه که خود

1. neo-orientalists

2. neoconservatives

3. Eurocentric Worldview

کرده بودند ترجیح می‌نهادند و به قول یکی از محدثین اهل سنت، یعنی علامه احمد شاکر (۱۳۰۹-۱۳۷۷ ق)، به هر بهانه‌ای ندای «مستشرق مستشرق» سر می‌دادند و تصور می‌کردند که کارهای مستشرقین در باب ادب فارسی از آنچه که ایرانیان انجام می‌دادند بهتر و برتر است. دیری است که آن سبب بشکسته و آن پیمانه ریخته است. جای دیگر نوشته‌ام و در این جا تکرار می‌کنم که مرحوم احمد شاکر در این مورد به عبارتی از خطبه ۲۷ حضرت امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه تمثیل می‌کند که فرمود: «قَوْلَالِهِ مَا غُرِيَ قَوْمٌ قَطُّ فِی عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلَّ». یعنی «به خدا سوگند که با هر قومی که در آستانه سرای خودشان جنگیدند، آن قوم ذلیل شدند.» زبان ادب فارسی، و مخصوصاً شاهنامه فردوسی به منزله اندرونی «سرای» ماست و از قیل و قوم حدیده و تجربی نیست که ما در آنها از غربی‌ها عقب‌تر باشیم. اگر در مقابل مستمرانی که به پادمانی به سرای پدری ما می‌آیند گردن کج کنیم، یا به صلاحدید آنان خانه آبا و اجداد را بهم بکوبیم تا به بهانه تجدید بر ویرانه‌های آن آبارتمان و برج برپا سازیم، خودمان را آلوده کرده‌ام. این کتاب بیان احساس و غیرت ایرانی من است به زبان انگلیسی و به همین خاطر، باره‌ای طفی سنگینی دارد که به آسانی از آن زبان به زبان فارسی قابل تبدیل نیست، اما انصافاً مترجمین در نقل آن زحمت کشیده‌اند.

در پایان از مترجمین محترم کتاب، از بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، و از دوست دانشمندم، جناب دکتر محمد افشین وفایی که چاپ ترجمه فارسی، انتشارات بنیاد به پیشنهاد او بود سپاسگزارم و امیدوارم که متن فارسی برای دانشجویانی که آن را خواهند خواند فایده‌ای داشته باشد.

محمود امیدسالار

کتابخانه دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لس آنجلس
پنجم اسفندماه هزار و سیصد و نود و پنج شمسی